

د: ۱۳۸۹/۲/۱۵

پ: ۱۳۸۹/۷/۲۴

شهنشاهنامه فتحعلی خان صبا

نسخه ۵۹۹۸ کتابخانه ملک

شاهکاری از هنر دوره قاجار

سعید خودداری نایینی *

چکیده

در این نوشته با ورود به بحث کتاب‌آرایی هنری دوره قاجار و عوامل مؤثر بر آن، چون زمینه‌های تاریخی و حمایت‌های درباری، به زندگی و جایگاه ادبی - هنری فتحعلی خان صبا سراینده شهنشاهنامه پرداخته می‌شود. سپس با نگاهی به شهنشاهنامه پیش از وی، در باب جایگاه ادبی شهنشاهنامه به عنوان محملی برای بروز هنر نقاشی این دوره، نسخه‌های مختلف شناسایی می‌شوند و در پی آن، نسخه‌شناسی شهنشاهنامه کتابخانه ملک، به عنوان نقطه تمرکز این پژوهش، می‌آید. سرانجام در باب آثار محمدحسن افشار، نگارگر این نسخه و تحلیل ویژگی‌های کار او در این نسخه، تحقیق می‌شود.

واژه‌های کلیدی: نقاشی عصر قاجار، کتابخانه ملک، شهنشاهنامه، محمد حسن افشار.

* دانشجوی دکتری مطالعات عالی هنر دانشگاه تهران

شهنشاهنامه فتحعلی خان صبا مثنوی بلندی است در حدود چهل هزار بیت که در بحر متقارب و وصف تاریخی و ادبی گزارش‌گونه‌ای از جنگهای فتحعلی شاه قاجار سروده شده است. او چهل و پنج ساله بود که این مثنوی را آغاز کرد و تا ۱۲۳۸ که سال مرگ اوست، بدان پرداخت.

شهنشاهنامه روایتی از جنگهای فتحعلی شاه آمیخته به تاریخ سلسله قاجار است. فتحعلی شاه قاجار پس از عموی خود که نتوانست طعم تاج و تخت را به درستی بچشد، مدت طولانی سلطنت خود را بیشتر به شعر و شاعری پرداخت تا ملکداری. او دیوان شعر خود را که ویراسته شاعران دربار بود و میرزابابا آن را تصویر کرده بود، به سرگور اوزلی هدیه کرد.^۱

فتحعلی شاه علاقه‌اش را به زیبایی در سفارش تصاویر مجلل به همراه جواهرات سلطنتی‌اش و چهره و پیکره زنانه و ظریفش نشان داد و علاقه به خلود را در سفارش فراوان تصاویر و اشعار مدحیه و عمارات و قصور و ابنیه و نیز فرزندان و زنان بی‌شمار که در باب آنها تذکرها نوشته شد نشان داد. سفارش تصاویر چهره، میراث شاه قاجار برای فرزندان خود بود.^۲ تصاویر اندکی از چهره شاهان زند و افشار نیز برجای مانده که اغلب در دوره قاجار تهیه شده‌اند.^۳ بیشتر تصاویر چهره شامل تصاویر کوچک پشت جعبه‌های جواهر گرفته تا تصاویر پشت آینه و شیشه و روی بوم و دیوار متعلق به فتحعلی شاه است.^۴ گرچه در دوره ناصری نیز به دلیل آموزش آکادمیک نقاشی در ایران و تعدد هنرمندان نقاش، تصاویر زیادی از ناصرالدین‌شاه تهیه شده بود، اما به دلیل ورود عکاسی به ایران شاه تا حدی علاقه خود را متوجه عکاسی کرده بود؛ به نحوی که بیشتر از وی عکس به یادگار مانده تا نقاشی. شاعران درباری نیز همانند دیگر هنرمندان به سرودن اشعار مدحیه و قصیده‌های معلق و لفظ‌پردازی شده روی آوردند و در مدح و ذم بزرگان شعر سرودند. در دوره قاجار، خصوصاً دوره فتحعلی‌شاه، نسخه‌های تاریخ قاجاریه هم مصور شده‌اند، که از آن میان نسخه اشرف‌التواریخ نسخه‌ای بی‌بدیل به شمار می‌آید و در جایی دیگر به آن خواهیم پرداخت.

فتحعلی خان صبای کاشانی، ملک‌الشعرا دربار فتحعلی شاه، شاعری بود که ابتدا در سالهای آخر قرن دوازدهم به مدیحه‌سرایی خاندان زند مشغول بود و پس از افول آفتاب آن خاندان، به دولت قاجار رو کرد (منزوی ۱۳۴۸: ۱۸۷۷/۳). او در حدود سال ۱۱۸۰ ق در کاشان به دنیا آمد^۵ و در ۱۲۳۸ ق درگذشت (همانجا).

شهر کاشان در دوره قاجار با دو خانواده هنری یکی در ابتدا (خاندان صبای کاشانی) و یکی در انتهای این دوره (خاندان غفاری) از شهرهای هنرپرور ایران بود. در شیراز نیز خاندان وصال از معاریف هنر این دوران بودند. هنرمندان برای عرض هنر و ترقی به «دارالخلافة طهران» روی می‌آوردند و کم‌کم به دربار راه می‌یافتند. فتحعلی‌خان صبا به دلیل سرودن قصیده‌های پراطناب و غرایش و نیز مدایح مفصل از فتحعلی‌شاه و فرزندان او «به حکومت دارالایمان قم و کاشان و احتساب ممالک محروسه و کلیدداری آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها التحیه مفتخر و مباهی گردید و در ازای انشای شش طغرا قصیده غرا که در فصاحت، شهرت سبعة معلقه را از طاق حرم دلها انداخته بود، از شش‌هزار تومان زر خالص کامل عیار به وجه صله برخوردار گردید» (محک‌الشعرا، نسخه کتابخانه ملک، شماره ۴۰۹۶ / ۱۱۹-۱۲۰). او حکمی از طرف شاه دریافت کرده بود که به وی اجازه می‌داد نامه‌های خود را با عنوان «حکم عالی شد» شروع کند.^۶ همچنین در سال ۱۲۲۲ ق، در حدود سی‌سالگی، به افتخار ملک‌الشعرا دربار فتحعلی‌شاه نایل شد (صبا، دیوان، ص دوازده). صبای کاشانی که در تذکره‌ها از وی با عنوان ملک‌الشعرا صبای کاشی نام برده‌اند،^۷ از شاگردان صباحی بیگدلی و پرورش‌یافته مکتب هاتف اصفهانی و آذر بیگدلی (صاحب‌آتشکده آذر) بود. سعید نفیسی وی را بزرگ‌ترین شاعر قرنهای دوازدهم و سیزدهم می‌داند که نخست از سبک انوری پیروی کرده و کم‌کم سبک خاصی یافته است که سبک اشعار قآنی دیگر شاعر لفظ‌پرداز قاجاریه از آن بیرون آمده است (صبا، گلشن صبا، ص ۶).

صبا در اشعار مدحی و حماسی، شیوه‌ای خاص دارد که همراه با استفاده زیاد از لغات عربی و مشکل، و تکرار برخی اصطلاحات است؛ عباراتی چون خسرو جمجاه، مالک رقاب، دارای جهان و بسیاری واژگان دیگر که اوج تعریف و تمجید شاعر از شاهان و بزرگان را نشان می‌دهند. خصوصاً نصایح او به فرزندش در

شهنشاهنامه نشان می‌دهد که او به این تعریفها اعتقاد هم داشته است. اشعار وی در آثار هنری و نقاشی به صورت کتیبه‌های مدحی به کار می‌رفت.^۸

فتحعلی خان صبا را صاحب کمالات زیاد دانسته‌اند. او نه تنها به سبب سرودن قصایدی که وی را به مقام ملک‌الشعرایی رسانید و نیز به خاطر سرودن اشعاری در وصف عمارات و نقاشیها و نیز آثار ادبی وی که تصویرگری شدند، نقش مهمی در تاریخ هنر ایران دارد، بلکه خود نیز هنرمند ماهری بوده است. کریم‌زاده به نقل از تذکره خوشنویسان هدایت می‌نویسد:

«فتحعلی خان کاشانی ملک‌الشعراي خاقان جنت‌مکان، فتحعلی شاه نورالله مضجعه خط تعلیق را نیک نگاشت و شکسته را شیرین تحریر نمود و از صنعت نقاشی بهره‌آفر داشت و در فنون شعر پارسی کمتر کس در روزگار قرین و انباز وی گشت (کریم‌زاده تبریزی ۱۳۶۳: ۲/۵۰۰).

برخی از کارهای نقاشی او نیز گزارش شده‌اند (همان: ۲/۲۶). صاحب مجمع محمود وی را در شعر و شاعری و صنایع و بدایع ماهر می‌داند و مدایح معتمدیه نقاشی و منبت‌کاری را از ۲۵ هنری می‌داند که وی به کمال دارا بوده است (صبا، دیوان، ص بیست‌وشش - بیست‌ونه). صبا به غیر از آثار ادبی که نامش را ماندگار کرد، دارای نسلی از شاعران و هنرمندان بود. فرزند وی محمدحسین خان، متخلص به عندلیب، شاعری خلاق بود و نوه‌اش محمودخان ملک‌الشعرا چون پدر بزرگش در شعر و هنر دست داشت، اما جنبه هنری کار او بر جنبه ادبی‌اش غلبه داشت. او نیز انواع خطوط خاصه شکسته را استادانه می‌نگاشت و در صنعت نقاشی، مخصوصاً شعبه دورنماسازی مهارت داشته است. از نقاشیهای لاکي محمودخان ملک‌الشعرا نیز آثاری به جای مانده است. برخی از کارهای آبرنگ او در کاخ گلستان نگهداری می‌شود. در موزه ملک نیز دو قلمدان لاکي با رقم وی مورخ سالهای ۱۲۹۱ و ۱۲۹۹ که هر دو دورنمای مناظر طبیعی هستند، وجود دارد.

محمودخان در فنون دیگر چون منبت روی عاج و چوب، چون استادان چین ماهر و زبردست بوده است (همان: ۴۱). شاید قلمدان عاج موزه ملک هم از کارهای او باشد.^۹

فتحعلی خان صباي کاشانی از پرکارترین شاعران ایران بوده و آثار ادبی زیادی از خود به یادگار گذاشته است:

— دیوان قصاید و غزلیات که به سبک شعرای عراق با الفاظ نزدیک‌تر به روزگار ما ولی با استعارات و کنایات کمتر سروده شده است (صبا، گلشن صبا، ص ۷). اشعاری در مدح فتحعلی شاه و شاهزادگان و نیز مطالبی بسیار مفید دارد در باب قصور و

عمارات دوره فتحعلی شاهی که برجای نمانده‌اند. ماده تاریخیهای فراوانی نیز از وقایع مختلف در آن دیده می‌شود.

— تحفة العراقین، همنام و هموزن تحفة العراقین خاقانی در هجو میرزا حسین خان صدر اصفهانی، صدراعظم فتحعلی شاه (همان، ص ۸).

— عبرت‌نامه در وصف الحال درباریان فتحعلی شاه به مطایبه.

— خداوندنامه در بحر متقارب در شرح غزوات حضرت رسول و صدر اسلام.^{۱۰}

— مثنوی شهنشاهنامه در بحر متقارب و به تقلید از شاهنامه در شرح سلطنت و جنگهای فتحعلی شاه. به گفته هدایت این مثنوی پس از تصنیف خداوندنامه سروده شده است.^{۱۱}

— گلشن صبا در بحر متقارب به سبک بوستان سعدی که دارای نکات اخلاقی و آموزشی است و به رغم حجم کم آن از آثار موفق صبا و به اعتقاد دهخدا از بهترین اشعار صبا است؛ زیرا از کلمات غریب و وحشی استفاده نکرده و شعر او در این منظومه فصیح و روان است (دهخدا ۱۳۳۷: ذیل «صبا»).

— لیلی و مجنون و هفت پیکر به سبک حکیم نظامی که در سفری گم شده است.^{۱۲}

— مقالات شاهنشاهی.

— خلاصه الاحکام که به صورت منظوم از فقه جعفری سخن می‌گوید.

— نصیحت‌نامه که پژوهشگران از آن نامی نبرده‌اند. اما در کتابخانه ملک نسخه‌ای از این کتاب از فتحعلی بن محمد صبا به خط شکسته نستعلیق (شماره ۶۴۵۷/۴۹) ثبت شده است.^{۱۳}

شهنشاهنامه صبای کاشانی

صافی اصفهانی (میرزا جعفر موسوی اصفهانی، متوفی ۱۲۱۱) اولین کسی است^{۱۴} که در آغازین سالهای دوره قاجار اثری به نام شهنشاهنامه در معجزات پیامبر و شرح جنگهای حضرت علی و به نام فتحعلی شاه سروده است (منزوی ۱۳۴۸).^{۱۵} دو دهه بعد از آن معروف‌ترین شهنشاهنامه توسط فتحعلی خان صبا (متوفی ۱۲۳۸ ق^{۱۶}) در قالب مثنوی در بحر متقارب سروده می‌شود. این منظومه از آثار معروف صبای

کاشانی است که کمتر از چهل هزار بیت سروده شده است. عبدالحسین زرین کوب در باره این کتاب می‌نویسد:

... تاریخ ظهور و سلطنت آقامحمد خان و فتحعلی شاه قاجار... با مبالغات شاعرانه تاریخ حوادث ممدوح خویش را نظم کرده و این نکته هم از اعتبار تاریخی کتاب کاسته و هم به ارزش ادبی آن چیزی نیفزوده است... (زرین کوب ۱۳۶۸: ۱۲۱).

فتحعلی خان صبا در هنگام عزیمت شاه قاجار از تهران به آذربایجان به قصد جنگ روس در التزام رکاب شاه بود. وی در این موقعیت داستان یکی از آن جنگها را به نظم در آورد و به شاه عرضه کرد.^{۱۷} پس از آن مأمور شد تاریخ قاجاریه را از آغاز تا پایان به نظم درآورد. در وجه تسمیه این اثر، صبا در حین مدح فتحعلی شاه می‌گوید:

بنامش چو این نامه کردم تمام *شهنشاهنامه* شهنش کرد نام
(صبا، *شهنشاهنامه*، ص ۴)
مؤلف ریاض‌العارفین که اعتقاد کامل به قوت طبع و پختگی اشعار صبا دارد می‌گوید:

«کتاب مستطاب *شهنشاهنامه* را به نام نامی و اسم سامی حضرت شهریاری به اتمام رسانید و مورد عواطف بیکران خسروی گردید (هدایت، *ریاض‌العارفین*، ص ۴۴۴).
وی در این باب به غلو گراییده و گفته است: «جمعی از ارباب انصاف مثنوی وی را بر مثنوی حکیم فردوسی ترجیح می‌دهند.»^{۱۸} این در حالی است که گرچه صبا در متن *شهنشاهنامه* خود را هم‌اورد فردوسی و ناسخ وی می‌داند^{۱۹} و دیباچه‌نویس یعنی میرزا عبدالوهاب نشاط هم آن را تأیید می‌کند، او در اواخر عمر خواسته است تا *خداوندنامه* و *شهنشاهنامه* را بر او بخوانند و بعد هم *شاهنامه* را. اما با خواندن این بیت شاهنامه که

شود کوه آهن چو دریای آب اگر بشنود نام افراسیاب
مبهوت شده است و فاصله خود را در یافته است و پس از چند روز مرده است.
(ریاحی ۱۳۷۶: ۴۶۹).

فاضل خان گروسی نیز او را بر فردوسی ارجح دانسته است؛ به‌خصوص آنکه فردوسی شاهنامه را در سی سال گفته و صبا در شش سال هفتاد هزار بیت

سروده است (همانجا). صبا سرودن شهنشاهنامه را در ۱۲۲۴ ق یعنی پس از همراهی با فتحعلی شاه به سمت آذربایجان شروع کرد و پس از شش سال یعنی در ۱۲۳۰ آن را به پایان رسانید و هشت سال بعد درگذشت.^{۲۰}

نسخه‌های فراوانی از شهنشاهنامه صبا به یادگار مانده است. احمد منزوی در فهرست نسخه‌های خطی ۲۷ نسخه از این منظومه را ثبت کرده است که در میان آنها قدیم‌ترین نسخه دارای تاریخ ۱۲۲۶ ق است (منزوی ۱۳۴۸: ۲۹۷۶). قدیم‌ترین نسخه مصور این اثر هم مورخ ۱۲۲۷ و متعلق به کتابخانه مجلس (با هفت مجلس تصویر) است (همانجا). از این ۲۷ نسخه مجموعاً شش نسخه مصور ثبت شده است و در یک نسخه جای تصاویر خالی مانده است (سپهسالار ۳۲۰۶۰). در کتابخانه ملک دو نسخه از این اثر وجود دارد: شماره ۵۹۹۸ دارای ۲۵ تصویر که در میان نسخه‌ها بیشترین تصاویر را داراست. اما در فهرست این کتابخانه هجده تصویر ذکر شده است. نسخه‌های شهنشاهنامه از لحاظ تعداد ابیات و اوراق بسیار متفاوت‌اند. به طوری که برخی بیش از ۸۶۰ برگ دارند (مثلاً نسخه کاخ گلستان، ۶۶۲ ف/۳۹۹).

مثنوی شهنشاهنامه از یک دیباچه و متن تشکیل شده است که در اغلب نسخه‌های آن دیباچه به قلم نشاط اصفهانی است.

اغلب نسخه‌های شهنشاهنامه در ایران هستند.^{۲۱} این نسخه‌ها غالباً به خط نستعلیق و یا شکسته نستعلیق نوشته شده‌اند و تاریخ کتابت ندارند. کریم‌زاده تبریزی نیز در ذیل آثار محمدحسن افشار نقاشباشی لال، از شاهنامه‌ای نام می‌برد که به نام فتوحات خاقان اعظم در حراج ساتبی (Sotheby) لندن در سال ۱۹۸۱ به فروش رفته است.^{۲۲} این نسخه شهنشاهنامه سروده صبا است که محمدحسن افشار آن را تصویر کرده است؛ اما چون تاریخ نسخه اعلام نشده نمی‌توان آن را با نسخه آتی‌الذکر ملک به شماره ۵۹۹۸ که آن هم کار محمدحسن افشار است، مقایسه کرد. اغلب نسخه‌های شهنشاهنامه را محمدحسن افشار تصویرگری کرده است. بیشترین تصویرها نیز در نسخه موزه بریتانیا (۳۸ تصویر) کشیده شده است.

رابینسون نیز چهار نسخه از این منظومه را شناسایی کرده است و عقیده دارد هر کدام پنجاه تصویر با کیفیت خوب دارند: نسخه شماره ۱۵۲۳۴ کتابخانه

مجلس، نسخه کتابخانه ملی وین^{۲۳} (Flugel 639)، نسخه کتابخانه دیوان هند (Éthe 957) و نسخه کتابخانه بادلیان آکسفورد (Eliot 327) (اتینگهاوزن و یارشاطر ۱۳۷۹: ۷۹). نسخه اخیر نسخه‌ای است که آن را فتحعلی شاه به سرگور اوزلی هدیه کرده بود و رایینسون آن را از ۱۲۲۵ ق دانسته است^{۲۴} و گویا قدیمترین نسخه مصور این منظومه باشد.

نسخه‌شناسی شهنشاهنامه، شماره ۵۹۹۸ کتابخانه ملک

شهنشاهنامه ۵۹۹۸ کتابخانه ملک ۲۵ تصویر بسیار زیبا دارد که از شاهکارهای هنر نگارگری دوره قاجار به شمار می‌روند. نسخه شماره ۵۰۶۳ نیز نسخه دیگری از شهنشاهنامه است که در این کتابخانه نگهداری می‌شود و آقای منزوی از آن نامی نبرده است.^{۲۵} نسخه اخیر نزدیک به ۳۳ هزار بیت، ۴۵۸ برگ و ۹۱۵ صفحه متن دارد و در هر صفحه هجده سطر چهار ستونی به خط نستعلیق خوش با کمند و جدول بر کاغذ فستقی و بدون تاریخ نوشته شده است. عنوانهای وقایع به سنگرف نوشته شده‌اند. نسخه بدون دیباچه و با این ابیات آغاز شده است:

به نام خداوند آموزگار نگارنده نامه روزگار

از میان نسخه به بعد، گاهی جای عناوین خالی مانده، برخی صفحات مشوش نوشته شده و برگها گاهی جابه‌جا شده است. این کتاب را جلدی ساغری مشککی که بیش از هشت سانتیمتر قطر دارد، دربر گرفته است. در پشت جلد آخر با مداد عبارتی چنین آمده است: «این کتاب مستطاب مال حسن خان ولد مرحوم نبیل الدوله است. به تاریخ جمعه دهم ربیع‌الاول. یادگاری آقاخان میر محمد اسمعیل خان وزیر آستانه مبارکه» و امضای وی به خط لاتینی.

این نسخه در ۴۳۹ برگ و به قطع ۲۵/۸ × ۴۰/۸ با کاغذ فستقی و خط شکسته‌نستعلیق بسیار خوش سده سیزدهم هجری کتابت شده است. در این نسخه نیز چون نسخه شماره ۱۱۰۴ مجلس یا ۱۰۳ دانشگاه دیباچه‌ای در ابتدای نسخه نوشته شده است. دیباچه در هفده صفحه قبل از متن اشعار آمده است. در ابتدای دیباچه و متن یک سرلوح تذهیب شده بدون عنوان دیده می‌شود. دیباچه آمیخته به تلمیحات فراوان قرآنی مناسب و بجا اما با ترکیبهای اضافی متتابع و مسجع باعث

اطاله و مغلق شدن متن شده است. این بخش همچنین دارای سه خطبه به زبانهای فارسی و ترکی و عربی در ستایش خداوند است. پس از آن مطالبی در تعریف و تمجید فتحعلی شاه و صبا آمده است. دیباچه، با شواهد محتوایی و نیز برخی اشعار صبا کاشانی که خود را هم‌آورد فردوسی دانسته است، متن مقدمه بایسنغری را به خاطر می‌آورد. از دیباچه در ذیل «ذکر احوال عالی جناب مقرب‌الخاقان ملک‌الشعرا فتحعلی خان متخلص به صبا ناظم این همایون‌نامه» آمده است: دریایی ژرف است اذا سکت عمیق و اذا تکلم موج (ص ۱۵). و نیز در ذیل احوال شاه گوید:

... از دوران سبکتکین تاکنون که هفتصد سال فزون است کتاب شاهنامه فردوسی در میان و فحول استادان سخندان را از اتیان به مثل آن آیات عجز بر زبان و برخی از آنان که به تتبع او در بسیط نظم بساطی کرده‌اند در آن همین تقارب بحر و تضارع مضمون اکتفا آورده از سیاق معنی و صباغ لفظ بغایت دورند. اینک یکی از ترتیب‌یافتگانش نظومات فردوسی را مصداق و ما هی الا اساطیرالاولین ساخته نحن نقص علیک احسن القصص‌گویان در بیان شطری از آیات این همایون سلطنت اکبری که آیات اذا رایث ثم رایث نعیم و ملکا کبیرا حکایتی از آن است به ترتیب چنین نظمی پرداخته که خود فردوسی است فیه ما تشتهیه‌الانفس و تلذ الاعین. ابیات فیهن خیرات حسان ابرکارا. لم یطمئن انس قبلهم و لا جان. کئوس من الفاظ کماثال لولوالمکون معین من معان لایصدعون عنها و لاینزفون در مطاوی حکایات سلطنت همایون دولتش حکایت از ظل ممدود است... (همانجا).

نسخه رقم کاتب ندارد، ولی در انتهای دیباچه نام مؤلف دیباچه آمده است: «نا العبد کمین چاکر درگاه جهان‌پناه عبدالوهاب موسوی». عبدالوهاب موسوی همان معتمدالدوله نشاط اصفهانی است که به قول صاحب مجمع‌الفصحا (هدایت، روضة‌الصفاء، ج ۱، ص ۵۱۰) در ۱۲۴۴ درگذشته است و به حسن خط و نظم و نثر عربی و فارسی و ترکی معروف بوده است. دانستن اینکه آیا نسخه‌ای از شهنشاهنامه به دست خود نشاط کتابت شده است یا خیر، احتیاج به مقایسه نسخه‌هایی با رقم وی دارد.

این شهنشاهنامه بسیار ارزشمند، به مانند دیگر آثاری که ابیات بسیار زیادی دارند در چهار ستون بیست سطری نوشته شده است. با احتساب ۴۳۷ برگ این نسخه که تعدادی شامل دیباچه و تصاویر است، نزدیک به ۳۲ هزار بیت در این نسخه آمده است.^{۲۶} کتابت نسخه با حوصله و دقت فراوان و بر خلاف نسخه ۵۰۶۳

که از نیمه تا انتها از کیفیت پایینی برخوردار است، انجام گرفته است. متن دارای جدول و کمند مشکی، زرین و لاجوردی است.

آنچه باعث ارزش بیشتر این نسخه شده، در واقع تصاویر آبرنگ آن است که در سال ۱۲۵۹ توسط محمدحسن افشار، نقاشباشی دوره فتحعلی شاه، نقاشی شده‌اند. این نسخه در زمان محمد شاه قاجار تصویر شده است، یعنی زمانی که هم صبا و هم فتحعلی شاه درگذشته بوده‌اند. تصاویر نسخه از جنگهای شاهان قاجار و زند و نیز به تخت نشستن فتحعلی شاه حکایت می‌کنند. از آغامحمد خان و فتحعلی شاه و سرداران قاجار و گروهی که با آنان در جنگ‌اند، یعنی زندیان، تصاویری کشیده شده است. فتحعلی شاه که به تاج و تخت خود علاقه زیادی داشت با همان تاج و تخت و جواهراتش ترسیم شده است. وی اولین پادشاه پس از اسلام است که تصویر خود را با تاج و تخت مرصعش بر روی سکه ضرب کرده است.^{۲۷}

محمدحسن افشار ارومی در دوران محمدشاه لقب نقاشباشی گرفت.^{۲۸} وی این نسخه (۵۹۹۸ ملک) را احتمالاً به قصد اهدا به شاه یا به سفارش شاه برای هدیه دادن تصویر کرده است. او که آثار فراوانی از نقاشی رنگ و روغن روی بوم و آبرنگ و قلمدان از خود به جای گذاشته است، از بزرگ‌ترین نقاشان دو ربع میانی قرن سیزدهم به شمار می‌رود. خانواده وی به مشاغل سپاهیگری و نظامی وارد شده بوده‌اند (کریم‌زاده ۱۳۶۳: ۶۹۳). تصاویر به‌جای‌مانده از وی نیز اغلب صحنه‌های مشابهی از رزم و جنگ هستند و احتمال می‌رود وی خود در جنگها در التزام رکاب شاه حضور داشته است. نکته جالب در کار محمدحسن افشار توانایی وی در ترسیم صحنه‌هایی با مقیاس متفاوت است. اگر انتساب تابلوی بازدید ناصرالدین شاه و سپهسالار را از ارتش - که آن هم در موزه ملک نگهداری می‌شود - به این هنرمند بپذیریم و نگاره‌های نسخه‌های مصور شهنشاهنامه و قلمدانهای وی را بررسی کنیم می‌بینیم وی در نقاشی آبرنگ در مقیاس کوچک و اندازه نسخه‌های خطی با پردازهای ظریف و چهره‌پردازیهای پرکار و نیز اندازه بزرگ و ترسیم چهره‌های متفاوت در تابلوهای بزرگ و جزییات لباسهای رسمی شاهی نیز مهارت داشته است. وی در صورت‌نگاری افراد زبردست بوده است. در رقمهای محمدحسن افشار در سالهای نزدیک به ۱۲۵۹ ق یعنی ۱۲۶۱، ۱۲۶۳ و ۱۲۷۱ گاه ملقب به نقاشباشی

است و گاه فقط نام خود را در تاریخ آن درج کرده است. وی از فتحعلی شاه و محمد شاه و ناصرالدین شاه تصاویر متعددی کشیده است. از آثار رقم‌دار دیگر محمد حسن افشار در موزه ملک، صورت پادشاه در حالت نشسته است که تاج بر سر و شمشیر به کمر دارد و در زیر آن رقم محمدحسن افشار آمده است.^{۲۹}

قلمدانی نیز به رقم وی از تاریخ ۱۲۹۴ ق یعنی دو سال قبل از آخرین رقمی که آقای کریم‌زاده در عداد آثار او ذکر کرده است، در این موزه به جای مانده است. روی قلمدان تصویر ناصرالدین شاه است سوار بر اسب، با یک عده سوار پشت سرش، که در مقابل گروهی سواره خارجی ایستاده‌اند. در دو طرف صحنه مجلس رزم و شکار دیده می‌شود. زیر قلمدان سیاه و کناره‌ها تشعیر طلایی دارد. رابینسون محمدحسن خان، مهرعلی و عبدالله خان را هم‌آوردان میرزابابا دانسته است (اتینگهاوزن و یارشاطر ۱۳۷۹: ۴۳۳).

نقاشان درباری، طی قرن سیزدهم روشهای مختلف را آزمودند. نقاشی در این زمان به سمت نقاشیهای با قطع بزرگ و تابلوهای مناسب طاقنماهای ساختمانها و سرانجام، دیوارنگاریهای بزرگ گرایش یافت. با آنکه نسخه‌های مصور فراوانی از دوره‌های زند و افشار به جای مانده است، آنچه به عنوان شاهکارهای کتاب‌آرایی و تصویرسازی نسخه‌های خطی در دست است، نشان از تغییرات سبکی در نحوه کار هنرمندان نقاش دارد. صحنه‌های جنگ و رزم و شکار بسیار فراخ و گسترده هستند. در سطوح کوچک، چون روی قلمدانها و یا قاب آئینه‌ها، فضای وسیع دیده می‌شود با افراد زیاد کوچک‌اندام یا افراد کم که یک صفحه را اشغال کرده‌اند. پیکره‌های کوچک و انبوه بر طبق قاعده دورنمایی و پرسپکتیو، برای نشان دادن انبوه لشکریان به کار می‌رفتند.^{۳۰} ولی پیکره‌ها تخت هستند و قلمهای پرداز و تغییر درجه رنگ، کمی حجم به آنها می‌دهند. نور صحنه، مانند قدیم، نور منتشر است و روی هیچ‌چیز متمرکز نمی‌شود و سایه‌ها اغلب کوتاه‌اند یا حذف شده‌اند. افراد بدون فاصله به هم چسبیده‌اند و در یک نقطه از تابلو مزدحم شده‌اند.^{۳۱} در مواردی که تصویر با روایت داستانی منطبق باشد، چه در نقاشیهای رنگ و روغن و چه در نقاشیهای آبرنگ کتابها یا لاک‌الکلی جلدها و قلمدانها، صحنه‌ها محل حضور افراد زیادی هستند که به هم چسبیده‌اند. در برخی از نسخه‌آراییها نیز روش نقاشی

تصاویر بزرگ مقیاس دیوارها و تابلوها تکرار شده و یک یا دو پیکر بزرگ که معمولاً دختران یا پسران جوان قاجاری با صورتهای گرد، چشمان درشت و ابروان پیوسته هستند، ترسیم شده‌اند. لباسها و زیبایی‌شناسی صورت در دوره قاجار به شکل خاصی متمایز از دوره‌های پیشین است و زیبایی زنانه در شبیه‌سازی مردان دیده می‌شود. بین پسران و دختران، به غیر از لباس، تفاوت چشمگیری دیده نمی‌شود. و رنگهای بسیار شاد و زیبا در آنها به کار رفته است. در صحنه‌های مختلف تفاوت لباس و آرایش تن‌پوش زندیان هم با قاجاریان، خصوصاً در کلاههای آنان، پیداست. در دوره‌های بعد، یعنی در اواخر قرن سیزدهم، کلاههای بلند و کج مانند نگاره‌های هزار و یکشب کاخ گلستان نیز رایج می‌شوند.

تصاویر شهنشاهنامه که اغلب تصاویر صحنه‌های رزم‌اند با کمی تفاوت، شبیه هم هستند. دو گروه در دو طرف ایستاده‌اند و شاه یا شاهزاده‌ای سوار بر اسب، در جلو به صورت کامل ترسیم شده است. در میان دو لشکر هم یک یا چند درخت بلند قرار دارد. برخی صحنه‌ها با حرکت اسبها و یا فرار گروهی از جنگجویان کمی تحرک پیدا کرده است؛ تحرکی که گویا در یک لحظه منجمد شده است. ترکیب‌بندی صحنه نیز چندان که باید پویایی لازم را فراهم نمی‌آورد. در تصاویر داخل کاخ که چند نگاره نسخه ۵۹۹۸ را شامل می‌شود نیز ساختمان بدون تزئین است. ولی در لباسها و جواهرات و حتی فرش دقت زیادی برای تزئینات به کار رفته است. فضای معماری با چند خط ساده و رنگ‌آمیزی بخشهای مختلف فضا از هم تفکیک می‌شوند. ریش بلند مردان و دستار خاصی که در هنگام جنگ به سر بسته‌اند، کمر باریک افراد، شکل اسبها و منظره‌پردازی دوردست در اغلب نگاره‌ها تکراری و در دو نسخه بادلیان و ملک قابل مقایسه است.

در تصاویر این نسخه روش دوره ابتدایی قاجاریه در نشان دادن جزئیات لباسها و تزئینات و ساده رها کردن زمینه و استفاده از رنگهای شاد زرد و صورتی واضح است. البته شاید برای تمییز نقاشی قاجاریه احتیاج به تحلیلهای حرفه‌ای چون مکاتب محلی قرون نهم و دهم نباشد، اما برای شناخت آثار بدون رقم یک هنرمند، دقت روی ویژگیهای سبک هنرمندان مفید خواهد بود. نکته دیگری که در زیبایی‌شناسی نقاشی قاجار تازه می‌نماید، ریشدار کردن اغلب پیکره‌هاست که در

دوران پیش از آن بسیار کمتر دیده می‌شد. پس از فتحعلی شاه با ریش بلند و اولاد فراوانش — که برای جبران مسائل پیش‌آمده برای عمومی تاجدارش، بر آنها تاکید می‌کرد — ریش در صورت قاجاریان، در دوره محمدشاه معتدل شد و بعد از آن در صورت شاهان قاجار دیده نشد. پیکره فتحعلی شاه در این نگاره‌ها مانند فردی است که کوچک شده است؛ مانند عروسک‌هایی که ایستادنشان مصنوعی و لحظه‌ای است. شباهت کلی پیکره‌ها و حرکت اسبها در اغلب نگاره‌ها باعث می‌شود تشخیص هویت افراد فقط از طریق صورت یا کلاه ممکن باشد. اسبها در صحنه‌های جنگ همگی در هوا معلق مانده‌اند. مهارت نقاش در پرداخت مخملین برگهای سبز درختان و یا چینهای لباسها و خصوصاً تزئین طلایی لباسهای شاه و نزدیکان وی پیداست. شکل اسبها و نحوه جنگاوری سپاهیان در تصویر نسخه بادلیان نشان می‌دهد به احتمال فراوان نقاش هر دو نسخه یک نفر است. شاید در تصاویر دیگر نسخه بادلیان رقمی پیدا شود. نقاش در برگهای ۳ و ۷ و ۱۸ رقم خود و تاریخ را نگاشته است. در برخی از اوراق فقط رقم خود را با عبارت «کمترین محمدحسن افشار» نوشته است.

نسخه چاپ سنگی شهنشاهنامه نیز در تاریخ ۱۸۶۷ در بمبئی به چاپ رسیده است و هفده تصویر بدون رقم در مجموع ۱۴۲ برگ آن دیده می‌شود.^{۳۲}

نتیجه‌گیری

نسخه‌های خطی دوره قاجار به دست هنرمندانی مصور شدند که در رشته‌های دیگر نقاشی، چون نقاشی روی قلمدانهای کوچک مقیاس و تابلوهای رنگ و روغن بزرگ مقیاس هم دستی داشتند. بسیاری از نسخه‌های خطی نفیس دوره قاجار تاریخ قاجاریه هستند که به صورت نظم و نثر تالیف شده‌اند. در این زمان عکاسی هم به کمک نقاشان می‌آید و برخی از کتابهای دوره ناصری با عکسهای رجال و یا اماکن تصویرگری می‌شوند و گاهی با جدول و یا تذهیب مختصری در اطراف عکس زینت می‌یابند. صحنه‌های تصویر شده در کتابهای تاریخی غالباً موضوع مشترکی دارند و بسیار شبیه به هم کشیده می‌شوند با اندک اختلافی در جزئیات. یکی از معروف‌ترین استادان نقاشی و مصوران اوایل قاجار محمدحسن افشار است

که در تصویرگری نسخه‌های خطی با آبرنگ مهارت زیادی دارد و به‌خصوص با استفاده از رنگهای درخشان و شاداب و توجه به جزئیات لباسها و جواهرات افراد و نیز ساده رها کردن پس‌زمینه، آخرین نسخه‌های خطی مصور شاهانه را فراهم می‌کند.

شماره برگ و شرح تصاویر نسخه:

در برخی نسخ شرح تصاویر در کنار تصاویر قبل یا بعد از نقاشی نوشته شده‌اند. اما در این نسخه تصاویر بدون شرح به‌خصوص با تجربه بالای نقاش در ترسیم این روایات و وقایع، کشیده شده‌اند.

۲۷ پ: نبرد فتحعلی شاه با صادق خان از مرز ری به جانب قزوین و پیروزی شاه و فرار صادق خان.

۳۱ پ: منشور نوشتن حضرت صاحبقران به کارگزاران پس از پیروزی و تخت‌آرایی.

۵۴ ر: پوزش آراستن نواب حسینقلی خان با نیاز به خاکپای شاهنشاه گردن‌فراز.

۸۴ پ: فرار نمودن سپاه نادرشاه به جانب ایران و هراسیدن ترکان از محمدحسن خان (جنگ نادرشاه به سرداری بهبود خان با محمدحسن خان و ترکان توربن)

۹۲ پ: آمدن نوند به درگاه محمدحسن خان و آگاهی دادن او را از ورود سپاهیان زند به مرز گرگان.

۹۴ پ: جاسوس فرستادن محمدحسن خان به لشکر کریم خان و بازآمدن جاسوس و خبر آوردن خزانه و زدن خزانه را و گرفتاری سرداران زند به دست محمدحسن شاه.

۹۹ ر: داستانسرایی طوطی، بعد از گزارش آزاد خان در حضور شاه قاجار، فتحعلی شاه.

۱۰۱ ر: جنگ محمدحسن شاه قاجار با کریم خان زند و شکست خوردن کریم خان و فرار کردن به سوی فارس.

۱۰۷ پ: جنگ کلاب قاجار با قیطاس زند و کشته شدن او به دست کلاب.

- ۱۰۹ پ: جنگ فغانعلی قاجار با داراب زند که یکی از خویشان زند بود و کشته شدن داراب بر دست فغانعلی.
- ۱۱۰ پ: جنگ آراز با شاه مار و کمند افکندن شاه مار بر یال آراز نامدار و کشیدن آراز شاه مار را به کمند خود و کشته شدن او.
- ۱۱۱ پ: جنگ جهانگیر خان مازندرانی به فرمان محمدحسن شاه با پیر داوزند و گرفتاری پیر داوزند در دست جهانگیر و کشته شدن او.
- ۱۱۲ پ: جنگ بیرام خان قاجار در خردسالی با پرویز زند و کشته شدن پرویز در دست آن کودک خردسال خورشید چهر.
- ۱۱۴ ر: جنگ شیرزاد استرابادی با آذر قباد زند و کشته شدن آذر قباد زند به دست شیرزاد و هجوم آوردن سواران زند و مغلوبه شدن جنگ.
- ۱۲۸ ر: شبیخون حضرت جهانسوز به قلعه هزارگریب و آگاهی یافتن حسن خان قاجار و لشکر کشیدن او به عزم جهانسوز شاه و کشته شدن او.
- ۱۴۷ پ: تهیه اسباب جنگ نمودن بزرگان گرگان و رسیدن حضرت جهانسوز و قتل نمودن ایشان را و نشستن در گرگان.
- ۱۵۰ پ: آگاهی یافتن جهانسوز شاه از آمدن لشکر محمدحسن خان با شرف آهنگ جنگ و عزم فرمودن جهانسوز شاه با سی سوار به جنگ او و به ساری رفتن و گرفتن محمدحسن خان.
- ۱۵۳ پ: آمدن مهدی خان پسر محمدخان و لشکر گرفتن و به جنگ جهانسوز شاه رفتن.
- ۱۹۸ پ: آمدن علی خان خمسه در منزل ساروق فراهان به درگاه محمد شاه و از آنجا به آهنگ پسر آزاد خان رفتن و جنگ کردن با او و شکست پسر آزاد خان.
- ۲۱۰ ر: لشکر کشیدن جعفر خان زند بر سر تقی خان یزدی و اعانت خواستن تقی خان از میر محمد خان طبسی و آمدن میر محمد خان به یزد و از هم پاشیدن جعفر خان.
- ۲۱۶ ر: رفتن لشکر دارای جمجاه محمد شاه قاجار به جانب فارس به جنگ لطفعلی خان زند و جنگ کردن با او و شکست خوردن لطفعلی خان زند.

۲۳۲ پ: جنگ لطفعلی خان و پادشاه در کرمان (شاید متن و تصویر در اینجا با هم منطبق نباشند. برخی از سربازان احتمالاً روسی‌اند و لباسهای اروپایی دارند).

۲۳۶ پ: محاصره نمودن لشکر دارای کشورگشا دژی را و زنهار خواستن اهل آن قلعه و بخشیدن ایشان را.

۲۴۲ پ: نامه نوشتن محمد شاه به ارکلی سالار تفلیس و بعد از نامه خود متوجه تسخیر آن ولایات شدن و جنگ نمودن با ارکلی و فرار او و گرفتن تفلیس (تصویر آغا محمدخان).

۳۳۴ ر: جنگ کردن نواب کامیاب عباس شاه با اشپخدر روسی و شکست خوردن لشکر روس از سپاه نصرت همراه ایران.



شهنشاهنامه، کتابخانه ملک، رقم محمدحسن افشار، ۱۲۵۹ ق.



شهنشاهنامه، کتابخانه ملک، رقم محمدحسن افشار، ۱۲۵۹ ق.

شهنشاهنامه ۵۹۹۸ کتابخانه ملک / ۶۳



شهنشاهنامه، کتابخانه ملک، رقم محمدحسن افشار، ۱۲۵۹ ق.



شهنشاهنامه، کتابخانه ملک، رقم محمدحسن افشار، ۱۲۵۹ ق.



شهنشاهنامه، کتابخانه بادلیان آسفورد، ۱۲۲۵ ق (از: اتینگهاوزن و یارشاطر ۱۳۷۹).

دوره جدید، سال نهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۰ (پیاپی ۴۸)



بازدید ناصرالدین شاه از مشق نظامی به همراه سپهسالار و ولیعهد،
منسوب به محمدحسن افشار، نیمه دوم قرن ۱۳، موزه ملک.



قلمدان، رقم محمدحسن افشار ۱۲۹۱ ق، موزه ملک.



قلمدان، منظره سازی، منسوب به محمود خان ملک الشعراء، موزه ملک.

شهنشاهنامه ۵۹۹۸ کتابخانه ملک / ۶۵



شهنشاهنامه، چاپ سنگی، بمبئی، تصویر ورود فتحعلیشاه به طهران.



شهنشاهنامه، کتابخانه ملک، رقم محمدحسن افشار، ۱۲۵۹ ق.



تصویر فتحعلیشاه، نقاشی پشت شیشه،
با شعری در مدح وی، موزه ملک.



کریم خان زند، موزه ملک، رقم
محمدحسن افشار.



تصویر کریم خان زند، موزه
ملی ایران، گنجینه دوران
اسلامی.

پی نوشتها

۱. شماره 327 Eliot بادلیان آکسفورد (اتینگهاوزن و یارشاطر ۱۳۷۹: ۲۶۳). در این نسخه نیز تصویری از فتحعلی شاه متکی بر مخده دیده می شود.
۲. تا جایی که تصاویر میناکاری شده شاهان در لباس و جواهرات فرزندان آنها دیده می شود.
۳. تصویر نادر شاه افشار از شهنشاهنامه نادری متعلق به وزات دربار سابق، به قلم ابوالحسن در سال ۱۱۸۹ق. اما تصویر نادر در شهنشاهنامه نادری شماره ۶۳۳۲ ملک، و تصویر کریم خان زند رقم محمدحسن افشار در موزه ملک در دوره قاجار تهیه شده اند.
۴. اغلب نقاشیها فتحعلی شاه را با لباس رسمی نشان می دهند؛ ولی روی یک جعبه جواهر در موزه جواهرات ملی وی بدون تاج و سربرهنه تصویر شده است. برخی از جواهرات مجلل وی که توسط شاعران توصیف شده اند، در این موزه نگهداری می شوند.
۵. تذکره ها سال شروع شهنشاهنامه را ۱۲۲۴ اعلام کرده اند. در شهنشاهنامه هم در مدح شاه می گوید:

کنونت گذارم یکی داستان ز دارای گیتی نه از باستان
زینچه گرم کم بود سال پنج ولی بردم افزون ز صد سال رنج.

نسخه ملک، شماره ۵۹۹۸، گ، ۱۵.

۶. تصویر این حکم در مقدمه دیوان صبا کاشانی به چاپ رسیده است. تصویر خود صبا نیز در میان صورت افراد سلام خاقان دیده می‌شود.
۷. تذکره‌های فراوانی از دوره قاجاریه به جای مانده است. برای صبا، از جمله نک: تذکره خوشنویسان، اثر هدایت‌الله سپهر، و نیز مجمع محمود، مدایح معتمدیه، تذکره افسر، تذکره اختر، بستان الفضایل، تذکره دلگشا، حدیقه الشعراء، انجمن خاقان، زینة المدایح، نهضت ادبی قاجار، بیان المحمود.
۸. تصویر فتحعلی شاه، نقاشی پشت شیشه، موزه ملک، با این مطلع:
- لوحش الله در زمان خسرو مالک رقاب، داور خورشیدرو شاهنشاه گردون جناب
۹. بجز قلمدان عاج، حداقل یک قلمدان به سبک و یک قلمدان با رقم محمود خان در موزه ملک وجود دارد.
۱۰. از نسخه‌های ثبت شده خداوندنامه هیچ‌کدام مصور نیستند.
۱۱. (هدایت ۱۳۲۹: ۱۲۶) در صورتی که ذبیح‌الله صفا می‌گوید: در خداوندنامه از کیفیت تقدیم شهنشاهنامه به فتحعلی شاه و مأمور شدن به نظم خداوندنامه و اقدام برای این کار سخن گفته است (صفا ۱۳۳۳: ۳۷۶).
۱۲. (صبا ۱۳۰۸؛ و نیز هدایت: روضة الصفا، ج ۱، ص ۱۲۷). نسخه‌ای از لیلی و مجنون در کتابخانه ملک وجود دارد که آقای منزوی از آن با عنوان لیلی و مجنون ناشناخته نام برده است. در صفحه عنوان این نسخه مرحوم ملک یادآوری کرده است که این نسخه را از کتابخانه مخبرالسلطنه خریده و تنها نسخه موجود است (شماره ۵۵۵۳ ملک). آغاز نسخه:
- ای صبا ای راحت جان ای صبا
ای صبا ای پیک جانان ای صبا.
۱۳. شاید یکی از آثار صبا باشد که به صورت مثنویهای پراکنده ثبت شده است.
۱۴. آثار متعددی به نام شهنشاهنامه یا شهنشاهنامه سروده شده‌اند که به دوره‌های مختلف تاریخی تعلق دارند. نامگذاری و سروده شدن این آثار متأثر از شاهنامه حکیم فردوسی بوده است و اغلب آنها مضامین حماسی را دنبال کرده‌اند. جهت دیگر نامگذاری آن بوده که به شاهی تقدیم شده یا از بزرگی یا حاکمی در آن سخن رفته است. در سده هشتم هجری شهنشاهنامه یا شاهنامه احمدی از احمدبن محمد تبریزی در زمره اولین آثار مسمی به شهنشاهنامه است (منزوی ۱۳۴۸: ۲۹۷۶/۴).
- سلطان مراد عثمانی نیز در اواخر قرن دهم منظومه‌ای به همین نام سروده است (همانجا).
۱۵. همانجا. از این دست آثار می‌توان شهنشاهنامه فتحعلی‌شاهی و شهنشاهنامه از میرزا تقی عنوان‌نگار را نام برد که دومی به نام مظفرالدین شاه پرداخته شده است (منزوی ۱۳۴۸: ۲۶۹۰/۴).
۱۶. این تاریخ را انجامه شهنشاهنامه چاپ سنگی نیز تأیید می‌کند.
۱۷. دهخدا ۱۳۳۷: ذیل «صبا» و «محک الشعراء»، نسخه ملک، گ ۱۱۹ و ۱۲۰ و نیز دیباچه: شهنشاهنامه کتابخانه ملک، ص ۱۷.

۱۸. گویا منظور وی فاضل خان گروسی است که دست‌پرورده و شاگرد صبا بوده است. گرچه خود وی هم همین اعتقاد را داشته است، مقایسه دو اثر نشان می‌دهد که هذا عذب فرات و هذا ملح اجاج.

۱۹. گر او بود افراسیاب سخن مر او را شد این رستم پیلتن

و نیز:

اگر ز فضل تقدم سخن رود دیدیم شرنگ در دم ماران و مهره در دنبال.

۲۰. دهخدا ۱۳۳۷: ذیل «صبا». صبا در ۱۲۱۲ ق، سال جلوس شاه، لقب ملک‌الشعرایی می‌گیرد و اینکه آقای منزوی ذیل *شهنشاهنامه* می‌گوید «از چهل‌سالگی آغاز کرده و تا دهمین سال پادشاهی فتحعلی شاه بدان پرداخته، از ۱۲۲۴ یعنی ۴۴ یا ۴۵ سالگی تا سال هجدهم پادشاهی فتحعلی شاه» صحیح است.

۲۱. از مجموع نسخه‌هایی که آقای منزوی ثبت کرده به غیر از دو نسخه آصفیه و بریتانیا بقیه در ایران هستند.

۲۲. کریم‌زاده تبریزی ۱۳۶۳: ۳/۶۹۷. وی این نسخه را نسبت به کارهای دیگر افشار ضعیف‌تر می‌داند.

۲۳. نسخه‌ای است که برای امپراتور اتریش فرستاده شده است.

۲۴. ذیل تصویر نسخه تاریخ آن را ذکر کرده است (همانجا). شاید همان نسخه‌ای باشد که رابینسون عقیده دارد در کاخ ویندسور است و به جرج سوم هدیه شده بود (اتینگهاوزن و یارشاطر ۱۳۷۹: ۳۴۴). به هر حال نباید نسخه کاملی باشد، زیرا سرودن این منظومه در ۱۲۲۳ ق آغاز شده بود. به این ترتیب سرودن کل این مثنوی کمتر از شش سال طول کشیده است.

۲۵. با توجه به نسخه‌های رابینسون می‌توان دانست که نسخه‌های زیادی ثبت نشده‌اند؛ از جمله نسخه‌هایی در مجموعه خیامی و کتابخانه تبریز و برگهایی در موزه هنرهای تزئینی و برخی دیگر که پراکنده و معرفی نشده‌اند.

۲۶. ابیات پایانی *شهنشاهنامه* ملک:

که نگسستیم رشته زندگی رساندم به انجام این بندگی

که این شاه را بر سرت کام باد جو آغاز یزدانش انجام باد

۲۷. نمونه این سکه در موزه ملک وجود دارد.

۲۸. کریم‌زاده قدیم‌ترین اثری را که رقم نقاشی به دنبال نام افشار آمده قلمدانی از ۱۲۶۱ ق (دوره محمد شاه) می‌داند (کریم‌زاده تبریزی ۱۳۶۳: ۳/۶۹۴).

۲۹. در مقایسه با تصویری از کریم‌خان زند که در موزه ملی ایران نگهداری می‌شود، می‌توان انتساب این چهره به کریم‌خان را تأیید کرد.

۳۰. علم مناظر و مرايا یا پرسپکتیو در این زمان در مدارس طراحی آموزش داده می‌شد.

۳۱. در نمونه نسخه چاپ سنگی حمله حیدری، کار میرزا نصرالله از قرن چهاردهم هجری، به صورت بارز و زیبا این خصوصیت دیده می‌شود.
۳۲. تصاویر نسخه چاپی با نسخه خطی تفاوت بسیار دارد. سبک نقاشی هاشوری و متفاوت با نسخه‌های خطی است. تصویر فتحعلی شاه که دست به کمر ایستاده است، در نسخه چاپ سنگی *مرآت البلدان* با شباهت زیادی به این نسخه دیده می‌شود. نسخه چاپ سنگی، در حدود پنج هزار بیت از ابیات کتاب را در بر می‌گیرد.

منابع

- اتینگهاوزن، ریچارد، و یارشاطر، احسان، ۱۳۷۹، *اوجهای درخشان هنر ایران*، ترجمه روئین پاکباز و هرمز عبداللهی، تهران.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۳۷، *لغتنامه*، زیر نظر محمد معین، تهران.
- ریاحی، محمدمین، ۱۳۷۶، *سرچشمه‌های فردوسی‌شناسی*، تهران.
- زرین‌کوب، عبدالحسین، ۱۳۶۸، *تاریخ ایران پس از اسلام*، تهران.
- شهنشاهنامه، نسخه کتابخانه ملک، شماره ۵۹۹۸.
- شهنشاهنامه، نسخه کتابخانه ملک، شماره ۵۰۶۳.
- صبا، فتحعلی خان، دیوان ملک‌الشعرا فتحعلی خان صبا، به تصحیح و اهتمام محمدعلی نجاتی، تهران، ۱۳۴۱.
- صبا، فتحعلی خان، *شهنشاهنامه*، بمبئی، ۱۸۶۷.
- صبای کاشانی، فتحعلی خان، گلشن صبا، به اهتمام حسین کوهی کرمانی، تهران، ۱۳۰۸.
- صفا، ذبیح‌الله، ۱۳۳۳، *حماسه‌سرایی در ایران*، تهران.
- کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی، ۱۳۶۳، *احوال و آثار نقاشان قدیم ایران*، لندن.
- محک‌الشعرا، نسخه کتابخانه ملک، شماره ۴۰۹۶.
- منزوی، احمد، ۱۳۴۸، *فهرست نسخه‌های خطی فارسی*، تهران.
- هدایت، رضا قلیخان، *روضه الصفا*، ج ۱۰، قم، ۱۳۲۹.
- هدایت، رضا قلیخان، *ریاض العارفین*، به کوشش محمدعلی گرکانی، تهران، ۱۳۴۴.